

## دو چشمونم زده سیری به سیرجون

گروه جامعه

گزارش

پشت شیشه پژو چهارصد و پنج مشکی‌رنگ اسپورت و کف خوابیده‌اش با خط درشت و سفید نوشته است: دو چشمونم زده سیری به سیرجون!

راننده‌ی ماشین پسریت جوان با ریش‌های تنک و تازه سر زده که پیداست رانندگی را تازه یاد گرفته و از این جهت سرشار از ذوق است و شاید همین دلیلی باشد برای گشت و گذار بیش از اندازه‌اش در سطح شهر و توضیحی برای دلنوشته‌ی روی شیشه عقب ماشینش.

به دریا رفته می‌داند مصیبت‌های طوفان را دلنوشته یک کامیون قدیمیست. از آنها که دماغه‌شان نارنجیست و سال‌ها خاک جاده خورده‌اند. راننده مردیست میانسال و آرام با موهای جو‌گندمی و از این جهت به نوشته پشت ماشینش شباهت دارد.

قلبی که از وسطش یک تیر رد شده و کنارش جمله سلطان غم مادر حک شده اغلب مخصوص پیکان جوانان‌یست که راننده‌هایش مرام و مسلک خاص خودشان را دارند و از طریق جملات نوشته شده بر روی ماشینشان می‌توانیم بخشی از خصوصیات رفتاری‌شان را حدس بزنیم.

همه از مرگ می‌ترسند من از رانندگی زن هم ناگفته پیداست که از سوی چه افرادی و با چه اعتقاداتی بر روی شیشه ماشین نوشته می‌شود و این یکی از جملات پر طرفدار در بین برخی رانندگان مرد هست که گویا در بسیاری از شهرهای ایران طرفدار دارد.

بدین ترتیب نوشته‌های حک شده بر ماشین‌ها و کامیون‌ها تا حدودی نشان‌دهنده ادبیات خاص رانندگان آنهاست و می‌توان بخشی از رویکردهای اجتماعی و فرهنگی‌شان را از این طریق تشخیص داد. دکتر محمد جعفری قنوتی در دانشنامه فرهنگ مردم ایران درباره ماشین نوشته‌ها اینطور نوشته است.

یکی از انواع جدید ادبیات شفاهی ماشین‌نویسی است که پس از عمومیت یافتن کاربرد خودرو در ایران و سپس برخی کشورهای همسایه رواج یافته است. و آن عبارت است از مجموعه منظوم و منثوری که بر روبرو بدنه خارجی و برخی قسمت‌های داخلی خودروها نوشته می‌شود. ماشین‌نوشته‌ها بویژه بر روی خودروهای بیابانی معمول است. برخی پژوهشگران به

آن عنوان ادبیات جاده‌ای داده‌اند. اما به دلیل آنکه در جاده‌ها نوشته‌های دیگری نیز وجود دارد این عنوان چندان دقیق به نظر نمی‌رسد. ظاهراً برای نخستین بار برای رفع چشم زخم جمله‌ها و اشعاری را برخی صاحبان خودرو روی این وسایل نوشتند. آنها این تدبیر را از صاحبان گاری‌های باری و مسافری و سورچی‌ها به ارث برده بودند. برخی این نوع ادبیات را بر اساس انواع خودروها یعنی سبک سنگین مسافری باری تقسیم بندی کرده‌اند. در این تقسیم بندی به سن رانندگان نیز توجه شده است. و برخی تقسیم بندی‌شان بر اساس مضمون بوده است.

مضامینی همچون مناسبات کاری، مادر، تعریف عشق، علاقه به زادگاه، محبت و طلب آن. هم چنین منابع و مآخذ ماشین‌نوشته‌ها متنوع هستند و رایج‌ترین آنها شامل اشعار شاعران معروف گذشته همچون حافظ فردوسی سعدی و... است و یا شاعران محلی و گمنام. و برخی نیز سروده‌های خود رانندگان است. برخی از رانندگان با دستکاری در اشعار معروف مفاهیم جدیدی از آن‌ها برده‌اند. مانند این بیت بهار.

در طواف شمع می‌گفت این سخن پروانه‌ای

سوختم زین آشنایان‌ای خوشا بیگانه‌ای.

که مصرع دوم را این گونه تغییر داده‌اند.

سر پیچ سبقت مگیر جانا مگر دیوانه‌ای!

آنچه به لحاظ زبانی در ماشین‌نوشته‌ها به چشم می‌خورد سادگی، ایجاز و نزدیکی متن‌های انتخاب شده به زبان گفتاری است.

ماشین‌نوشته‌ها گاهی از جملات آموزنده و مضامین شعری گاهی دارای محتویات بی‌معنا و اصیل هستند که هیچ پیام مشخصی را منتقل نمی‌کنند. زیرا به اعتقاد جامعه‌شناسان ماشین‌نوشته‌ها نوعی ابزار ارتباط جمعی هستند نه ابزار فردی. آیا برخی از این جملات مثل یزیدت له و یا پیرت لعنت شمر در ماه محرم باب میشوند و با لهجه سیرجانی نوشته شده‌اند بر فرهنگ عامیانه چه تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد؟

مهری موید محسنی پژوهشگر حوزه فرهنگ عامیانه معتقد است که پژوهشگران حیطه فرهنگ عامیانه هر نوشته‌ای را که ببینند و ارزشش را داشته باشد از آن به عنوان یک سند استفاده می‌کنند. این همان ادبیات جاده‌ای است که شامل دیوارنوشته‌ها و درخت‌نوشته‌ها هم می‌شود و از قدیم در همین سیرجان بسیار باب بود. سه چرخه‌هایی که شما یادتان نمی‌آید اما به اندازه یک کتابچه بر رویشان نوشته بود. بنابراین این نوشته‌ها لطمه‌ای به فرهنگ عامیانه وارد